

نقش دستگاه‌های دولتی عصر قاجاریه در صنعت و تجارت فرش ایران

رسول پروان*

مریی گروه فرش مرکز آموزش عالی فرش راور، دانشگاه شهید باهنر کرمان

منصوره اتحادیه

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

(از ص ۲۱ تا ۴۱)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۷/۱۶؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۲/۰۱

چکیده

با رونق معتنابه تجارت بین‌المللی فرش ایران در اواسط دوره قاجاریه، فرش به کالای صادراتی مهمی در ایران تبدیل شد. این سؤال مطرح است که در این دوره نقش دستگاه‌های اجرایی عصر قاجاریه در اداره کردن این صنعت و تجارت چگونه بوده است؟ هدف از این پژوهش، بررسی اقدامات دولت در زمینه صنعت فرش در عصر قاجاریه است. با توجه به نقش بارز دولت در اقتصاد ایران، این مقاله به‌عنوان تجربه‌ای برای مدیریت دولتی صنعت فرش حائز اهمیت زیادی است. این پژوهش نشان می‌دهد دستگاه‌های دولتی عصر قاجاریه، به فراخور درخواست‌های فعالین این عرصه، برنامه‌هایی از جمله مبارزه با رنگ جوهری، حمایت از شرکت‌های خارجی، معرفی بین‌المللی فرش ایران و کمک به توسعه تجارت بین‌المللی آن را اجرا کردند. عاملین اجرای سیاست‌های دولتی وزارتخانه‌های خارجه، تجارت، مالیه و همچنین گمرک و کنسولگری‌ها بودند. گردآوری اطلاعات مقاله به‌صورت کتابخانه‌ای و اسنادی است و داده‌ها با روش تحقیق تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: تجارت فرش، دستگاه‌های دولتی، صنعت فرش، عصر قاجاریه، فرش ایران

* رایانامه نویسنده مسئول: Rasoul.Parvan@gmail.com

۱. مقدمه

برنامه‌ریزی‌های دولتی در زمینه صنعت فرش، قبل از دوره قاجاریه در دربار پادشاهان ایران دارای سابقه است. صنعت فرش در دوره صفویه به‌عنوان یکی از صنایع قابل‌اعتنا در ایران مورد توجه پادشاهان و سیاستمداران دربار قرار داشت. رونق این صنعت در دوره صفویه مدیون سیاست‌های دولتی بود که این دوران را به دوران درخشان فرش ایران از جهات مختلف تبدیل کرد. در دوران پادشاهی شاه‌طهماسب اول و شاه‌عباس اول، اقداماتی برای راه‌اندازی کارگاه‌های سلطنتی و افزایش مراکز فرش‌بافی انجام شد و تمهیداتی جهت جهانی‌سازی نام تجاری فرش ایران با ارسال انواع فرش به خارج در قالب هدیه یا به‌عنوان صادرات اندیشیده شد و برنامه‌ریزی برای بهبود کیفیت فرش ایران از جمله در زمینه طرح و نقش آن اجرا گردید (واکر، صص ۷۵ و ۷۶ و ۸۴).

بعد از دوره صفویه از نظر نقش حاکمیت در اداره کردن صنعت فرش ایران، دوره قاجاریه حائز اهمیت است. شکوفایی و توسعه بازار بین‌المللی کالا در اواسط قرن نوزدهم و شرایطی که در داخل ایران برای جایگزینی واردات کالاهای اروپایی به‌وجود آمد، سبب شد که فرش دستباف در عرصه بین‌المللی مطرح شود و در بین صنایع ایران توجه بخش خصوصی و دولتی را به خود جلب کند. در واقع در قرن نوزدهم به‌دنبال صنعتی شدن برخی از کشورهای اروپایی، انبوهی از کالا توسط کارخانه‌ها تولید شد و تجار اروپایی را برای فروش تولیدات صنعتی روانه بازار مشرق‌زمین کرد. آنها برای تأمین منابع موردنیاز برای فروش کالاهای خود به هر چیزی که در این منطقه تولید می‌شد و مورد تقاضای شهروندان اروپایی قرار داشت، می‌اندیشیدند. تجار اروپایی که فرش را مناسب برای تجارت با مشرق یافتند، با روی باز سیاستمداران ایران برای توسعه تولید و تجارت آن روبه‌رو شدند و از اواسط دوره قاجاریه تا اوایل دوره پهلوی شرکت‌های خارجی متعددی به فعالیت در ایران در زمینه فرش مشغول شدند که از حمایت بی‌شائبه دولت برخوردار بودند (اتحادیه و پروان، صص ۲ و ۴).

در دوره قاجاریه، سیاست‌های دولت در زمینه فرش به مقتضای زمان و ضرورت‌های پیش‌آمده تعیین می‌شد. ورود رنگ‌های جوهری به ایران در اواسط عصر قاجاریه، چند دهه دولت را به مبارزه با استفاده از این رنگ‌ها در جهت جلوگیری از کاهش کیفیت فرش ایران مشغول کرد. رونق تولید و تجارت فرش ایران مصادف با حضور شرکت‌های خارجی بود و به همین دلیل، بخشی از سیاست‌های دولت ایران برای توسعه صنعت فرش، به حمایت از این شرکت‌ها معطوف گردید. در این دوره سیاست‌های تشویقی

دولت با دادن نشان‌های افتخار برای فعالین فرش در بخش دولتی و خصوصی دنبال شد. از دیگر سیاست‌های حکومت قاجاریه، معرفی فرش ایران به جهانیان بود که با استفاده از اعتبارِ دربار در قالب هدایایی از فرش به رجال ممالک خارجی اجرا می‌شد. بازوهای اجرایی دولت در دوره قاجاریه کنسولگری‌ها، وزارت خارجه، وزارت تجارت، وزارت مالیه، وزارت داخله و گمرک بودند که سیاست‌های تشویقی و تحدیدی دولت را اجرا می‌کردند. هدف از بررسی نقش دولت در مدیریت صنعت فرش ایران این است که استراتژی‌های دولتی در این زمینه معرفی شوند و تصویری از تجربه‌های سالیان گذشته ارائه گردد. با توجه به اینکه طیف وسیعی از افراد جامعه مشمول فعالیت در صنعت فرش بوده‌اند، این صنعت نقش اقتصادی و فرهنگی مهمی در ایران برعهده داشته است و علاوه بر حمایت‌های اقتصادی دولت، از اعتبارات دولتی در راستای حمایت‌های فرهنگی نیز برخوردار بوده است؛ بنابراین، با توجه به نقش معتنا به حاکمیت در دوران تاریخی در مدیریت صنعت و تجارت فرش دستباف، در این مقاله به این پرسش پاسخ داده شده است که دربار و دستگاه‌های دولتی ایران در عصر قاجاریه چه نقشی در اداره کردن صنعت فرش داشته‌اند و چه تأثیراتی بر تولید و تجارت این کالای فرهنگی گذاشته‌اند؟ در واقع پاسخ به این پرسش ضمن روشن کردن برهه‌ای از تاریخ فرش ایران، می‌تواند در بهبود و ارتقاء مدیریت دولتی فرش ایران نیز مؤثر واقع شود.

۲. روش بررسی

پژوهش درباره صنعت و تجارت فرش ایران در عصر قاجاریه در منابع تاریخ اقتصادی این دوره مستتر است. لیکن در این منابع موضوع نقش دولت در صنعت و تجارت فرش به صورت مستقل مورد توجه قرار نگرفته است و در اثنای اخبار و روایات تاریخی در موضوع فرش ایران می‌توان اطلاعات محدودی از نقش دولت به دست آورد. از جمله این منابع؛ کتاب‌های «تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار: ۱۲۱۵-۱۳۳۲ ه.ق)» اثر چارلز عیسوی، «اقتصاد ایران در قرن نوزدهم» اثر احمد سیف و «گنج شایگان» اثر محمدعلی جمالزاده است که مطالبی در زمینه فرش در خود جای داده‌اند.

پژوهش‌های پیشین اغلب مبتنی بر اسناد خارجی هستند، در حالی که این مقاله با تکیه بر اسناد تاریخی داخل ایران تدوین شده است. منابع اصلی این مقاله سفرنامه‌ها، اسناد تاریخی و روزنامه‌های عصر قاجار هستند که اطلاعات به دست آمده از آنها با روش تحقیق تاریخی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. اطلاعات سفرنامه‌ها و روزنامه‌ها با

روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و اسناد تاریخی از «مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران» تهیه شده است.

۳. برنامه‌های حمایتی دستگاه‌های دولتی عصر قاجاریه از صنعت و تجارت فرش ایران

۱-۳. برخورد با استعمال رنگ جوهری در فرش ایران

در ربع آخر قرن نوزدهم در سال ۱۸۷۰م (۸۷-۱۲۸۶ق) رنگ‌های شیمیایی وارد ایران شدند و برخی از تولیدکنندگان از این رنگ‌ها در رنگرزی خامه فرش استفاده کردند (عیسوی، ص ۴۷۱). در اوایل دهه ۱۸۸۰م تولیدات فرش برخی از ایلات و عشایر هنوز به رنگ‌های جوهری آغشته نشده بود و علیرغم اینکه در فرش‌های برخی از مناطق از جمله فراهان رنگ‌های جوهری به کار می‌رفت، هنوز ایلات و عشایر فارس با رنگ‌های گیاهی رنگرزی می‌کردند و به همین سبب، بسیاری از تجار اروپایی سفارش‌های خود را به فارس می‌دادند (دیولافوا، صص ۲۹۳ و ۲۹۴). در دهه ۱۸۹۰م تولیدکنندگان قالی کرمان به استفاده از جوهر در رنگرزی خامه‌های قالی روی خوش نشان ندادند و حتی‌الامکان از جوهر استفاده نکردند؛ اما این رنگ‌ها در بین قالی‌های ایلیاتی ولایت کرمان رواج پیدا کرده و از حسن شهرت آنها کاسته بود (سایکس، ص ۲۳۴). در سفر سایکس به ناحیه بافت از توابع ولایت کرمان، بیشتر قالیچه‌های افشاری که نزد وی برای فروش آورده بودند، پر از رنگ‌های جوهری بودند (همان، ص ۴۲۴). در ناحیه درخش از توابع قائنات در اواخر دهه ۱۸۹۰م رنگ‌های جوهری جای رنگ‌های گیاهی را گرفته بودند (همان، ص ۴۰۲).

رنگ جوهری از نظر قیمت تفاوت قابل توجهی با رنگ گیاهی نداشت و تنها سهل‌الوصول بودن این نوع رنگ، رنگرزان را راغب به استفاده از آن کرده بود (همان‌جا). عدم آگاهی از مضرات رنگ جوهری، دلیلی برای استفاده نکردن از آن در رنگرزی باقی نگذاشته بود و به سرعت در مناطق قالی‌بافی شیوع پیدا کرد. به این ترتیب کیفیت فرش با رنگ جوهری نزول کرد و فرش‌هایی که با این نوع خامه بافته شده بود، طرفداری نداشت و نقصانی در صادرات قالی ایران به وجود آورد.

کاهش تقاضای فرش‌های با رنگ جوهری، تولیدکنندگان و تجار را دچار چنان بحرانی کرد که دولت در ۱۸۸۲م (۳۰۰-۱۲۹۹ق) ورود این رنگ‌ها را تحریم کرد؛ اما نتوانست جلوی ورود آن را به کشور بگیرد و قاچاق آن ادامه یافت. دولت در اقدام دیگری در ۱۸۸۵م (۳-۱۳۰۲ق) با صدور اطلاعیه‌ای استفاده از نخ رنگ‌شده با جوهر را نیز ممنوع اعلام کرد (عیسوی، ص ۴۷۱). بنجامین، سفیر آمریکا در ایران ممنوعیت ورود الوان جوهری به ایران

در اواسط دهه ۱۸۸۰م را تأیید کرده است (ساموئل گیرین، ص ۴۸۲). ممنوعیت ورود و عرضه رنگ‌های جوهری سال‌ها ادامه داشت، به طوری که در اواخر دهه ۱۸۹۰م سرپرسی سایکس نیز غدغن فروش مواد جوهری را در سفرنامه‌اش آورده و اظهار امیدواری کرده است که با حضور مستشاران اروپایی در رأس گمرک، این قانون اجرا شود (سایکس، ص ۴۲۴).

در اوایل قرن بیستم دولتمردان با توصیه به والیان و سایر مسئولین دولتی تلاش کردند استفاده از رنگ‌های جوهری در فرش را به حداقل برسانند. از جمله این توصیه‌ها نامه‌ای است که نصراله‌خان مشیرالدوله - وزیر خارجه ایران - در سال ۱۳۱۹ق (۲-۱۹۰۱م) به فرمانفرمای عربستان [خوزستان] و لرستان نوشته و خواسته است که صنعت فرش‌بافی را به دست خود با استفاده از جوهر خراب نکنند (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۲-۰۷-۲۴-۱۳۱۹ق). اگر وزارت خارجه راپورتی در زمینه ورود این رنگ‌ها به منطقه‌ای دریافت می‌کرد از حکمران ولایت توضیح می‌خواست. به عنوان نمونه می‌توان به مکاتبه فخرالملک حکمران عراق عجم در ۱۶ محرم ۱۳۲۴ق (۱۲ مارس ۱۹۰۶م) با مشیرالدوله - وزیر خارجه ایران - در خصوص تاجری که چند جعبه رنگ جوهری وارد کرده بود اشاره کرد. حکمران عراق عجم در این مکاتبه توضیح داده است که تاجر مذکور تنها چند جعبه رنگ قالی برای امتحان آورده است و اگر کسی بخواهد از این جوهر در قالی استفاده کند، با هماهنگی و مجوز آن وزارت خواهد بود (همان، ۱۷-۱۰-۱۸-۱۳۲۴ق).

دولت که در جلوگیری از ورود رنگ‌های جوهری توفیق چندانی به دست نیاورده بود، در سال ۱۳۲۲ق (۵-۱۹۰۴م) تصمیم گرفت صادرات فرش‌های با رنگ جوهری را ممنوع اعلام کند. به این ترتیب قانون ممنوعیت صادرات قالی‌های رنگ جوهری بر اساس ماده ۳۲ نظامنامه رسمی اداره گمرک، مورخه پنجم رجب ۱۳۲۲ق مطابق با ۱۷ اوت ۱۹۰۴م اجرایی گردید (جمال‌زاده، ص ۷۸). در این سال از سوی دولت «به اداره گمرک دستور داده شد که قالی‌هایی که با رنگ‌های شیمیایی رنگریزی شده بودند، ضبط کرده و آتش بزنند...» (سیف، ص ۱۷۵).

در سال ۱۳۲۸ق (۱۱-۱۹۱۰م) سفارت روس از اجرای قانون غدغن صادرات فرش‌های رنگ جوهری سر باز زد. کارگزاران سفارت روس معتقد بودند که قبل از ابلاغ این قانون اتباع روس قراردادهای زیادی برای تهیه فرش‌های رنگین بسته‌اند که با اجرای این قانون ضرر کلی به آنها وارد می‌آید؛ اما وزارت مالیه در پاسخ به این موضوع نوشت که غدغن صادرات قالی رنگین به جوهر موضوع تازه‌ای نیست، بلکه در طی «آرتیکل ۲۹ نظامنامه گمرکی» که سفرای دولتی روس و انگلیس پذیرفته‌اند تصریح شده است که

مربوط به سال ۱۹۰۴ م (۱۳۲۱-۲۲ ق)، تقریباً شش سال پیش است و دلیل قانع‌کننده‌ای برای اجرا نکردن این قانون نیست (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۷۶-۷۶-p۶-k۳۹-۱۳۲۸ ق).

علیرغم اقدامات دولت در ممنوعیت استفاده از رنگ‌های جوهری و جلوگیری از ورود آنها به کشور و جلوگیری از صادرات این نوع قالی‌ها، طبق گزارش «کارپردازی اول دولت علیه ایران» در سال ۱۳۲۵ ق (۸-۱۹۰۷ م) هنوز فرش‌های رنگ جوهری ایران در بازار شام عرضه می‌شد؛ اما این نوع فرش بازار خوبی نداشت (همان، ۶۵-۰۱-۲۲-۱۳۲۵ ق). از سوی دیگر، گزارش مسیو کله از استامبول در سال ۱۳۲۹ ق (۱۹۱۱ م) نشان می‌دهد که اقدامات دولت بی‌تأثیر هم نبود؛ زیرا بر اساس این گزارش در سال مزبور رنگ آنیلینی^۱ تنها در قالی‌های مناطق تبریز و سلطان‌آباد استفاده می‌شد که باعث کساد بازار این قالی‌ها شده بود (همان، ۱۳، ۱-۳۷-۱۱-۱۳۲۹ ق).

قانون ممنوعیت صادرات قالی‌های رنگ جوهری تا سال ۱۳۳۰-۳۱ ق (۱۳-۱۹۱۲ م) ادامه داشت و تا این سال خروج قالی و قالیچه‌هایی که با رنگ‌های جوهری آنیلین‌دار بافته شده بودند ممنوع بود (جمال‌زاده، ص ۷۸). تا اینکه از اول میزان ۱۳۳۰ ق لغایت سنبله ۱۳۳۱ ق به عموم تجار اتباع داخله و خارجه مهلت داده شد که قالی‌های جوهری خود را به ممالک خارجه حمل نمایند (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۳-۲۴-۳۵-۱۳۳۰ ق) و در پی آن در سال ۱۳۳۱ ق (۱۹۱۳ م) حق گمرکی برای صادرات این نوع قالی‌ها ۳ درصد از قیمت قالی معین گردید و در سال بعد، حق گمرک ۳ درصد به ۶ درصد افزایش یافت (همان، ۱-۲۴-۳۵-۱۳۳۰ ق و جمال‌زاده، ص ۷۸-۷۹). با توجه به نقش مهم شرکت‌های انگلیسی در تولید و تجارت قالی ایران، برای اخذ حق گمرکی از قالی‌های رنگ جوهری از سفارت انگلستان نیز نظرخواهی شد و در ۲۸ رمضان ۱۳۳۳ ق (نهم آگوست ۱۹۱۵) این سفارت به وزارت خارجه نوشت که با اخذ مالیات از قالی‌های رنگ جوهری که از ایران خارج می‌شوند، موافق است (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۲-۵۸-۲۵-۱۳۳۳ ق). در سال ۱۳۳۳ ق (۱۵-۱۹۱۴ م) عایدات گمرک از این موضوع به ۱۶۰۳۵۲/۲ تومان رسید (جمال‌زاده، ص ۷۸-۷۹). براساس حق گمرکی مزبور که ۶ درصد صادرات قالی‌های رنگ جوهری بوده است، می‌توان ارزش قالی‌های رنگ جوهری را که در این سال از کشور خارج شده بود، ۲۶۷۲۵۳۳ تومان برآورد کرد.

اما برخلاف نظر محمدعلی جمال‌زاده در کتاب «گنج شایگان»، درباره تداوم قانون غدغن صادرات فرش‌های رنگ جوهری تا سال ۱۳۳۱ ق (۱۹۱۳ م)، در سندی تاریخی از ۲۹ رجب ۱۳۲۳ ق (۲۹ سپتامبر ۱۹۰۵)، آمده که دولت در این سال ممنوعیت صادرات این

نوع فرش‌ها را برداشته است. در این سند تاریخی وزارت تجارت در پاسخ به مکاتبه وزارت خارجه در خصوص حمل فرش‌های رنگ جوهری از سرحدات روسیه می‌نویسد: «پس از جلسات مستمر در دربار و «به دلایل واضح مدلل نمود که منع استعمال رنگ جوهر خطا و برای تجارت ایران ضرر فاحش دارد و بنا بر آن مجالس و استدالات، دولت علیه غدغن را برداشت. اینک محض استحضار کارپردازی حاجی ترخان چند فقره از دلایل را ذکر می‌نماید. اولاً از روی استاتستیک معلوم و مشخص شده است که قبل از استعمال رنگ جوهر، تجارت قالی با خارجه در عرض سال، نهایت به بیست‌هزار تومان بالغ می‌شد و حالا چنانچه ملاحظه می‌فرمایید یکی از تجارت‌های معتبر ایران شده است. ثانیاً چون رنگ طبیعی را از گیاهان مخصوص می‌کشند که پیدا کردن آن در صحراها و استخراج رنگ از آنها کمال صعوبت را دارد، به این ملاحظه فرش قالی کمتر بافته می‌شود. مثلاً در یک کارخانه که در عرض سال پنج یا شش قالی با رنگ طبیعی بافته شود، در همان کارخانه با رنگ جوهری چهل پنجاه قالی می‌توان بافت. ثالثاً از آنجایی که تجارت در همه‌جا باید آزاد باشد، نمی‌توان تجار را مجبور نمود که تجارتشان را منحصر به خریدوفروش مال اعلا نمایند. صرفه تاجر بهر چه اقتضا نماید البته همان‌طور خواهد کرد و چنان که ضرری بر وی مترتب شود، خودش از همه‌کس ملتفت شده در وضع خریدوفروش خود تغییر خواهد داد و در این مسئله به‌خصوص تجار ایرانی اصرار دارند که ما خود ملتفت نفع و ضرر بیشتر هستیم تا اولیای دولت‌علیه، هر وقت ضرری از رنگ جوهر دیدیم فوراً ترک خواهیم کرد. رابعاً هرگاه درست ملاحظه شود، هر جنسی هم اصل دارد و هم بدل و هرکدام در مقام خود قیمت معینی دارد، اما استعمال رنگ بدل چون به مصرف عامه می‌رسد بیشتر است. چنان که هرگاه تأمل شود چیت‌های روس که امروز وارد ایران می‌شود، به‌محض اینکه به آب برسند رنگ آنها رفته و بی‌مصرف می‌شوند. پس چرا اولیای دولت‌علیه منع نمی‌نمایند؟ خامساً بدیهی است فرشی که با رنگ جوهری ساخته شده زودتر عیب می‌کند تا فرشی که به رنگ طبیعی بافته می‌شود و بنابراین، بیشتر محل خرج و مصرف پیدا می‌کند؛ اما یک قالی که با رنگ طبیعی ساخته شده باشد، هرکس آن را بخرد تا حد بلکه دوپست سال محتاج به فرش نخواهد شد.» (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۲۴-۳-ky-۱۳۲۲ق)

به نظر می‌آید دلایلی که وزارت تجارت برای برداشتن ممنوعیت استفاده از رنگ‌های جوهری در قالی ذکر کرده است، عکس‌العمل این وزارت در پاسخ به راپورت «کارپرداز حاجی ترخان» به وزارت خارجه راجع به ضعف تجارت مال‌التجاره و متاع ایران در روسیه بوده است که باعث عصبانیت مسئولین وزارت تجارت شده بود. برخی از دلایل از جمله دلیل دوم که مبنی بر «کوتاه شدن زمان تولید قالی با استفاده از رنگ‌های جوهری» می‌باشد، صحیح و منطقی نیست؛ لیکن این سند رسمی را که اعلام می‌کند دولت غدغن استفاده از رنگ‌های جوهری را برداشته است، نمی‌توان نادیده گرفت.

در دوره قاجاریه رنگ جوهری یا آنیلینی از کشور آلمان، از طریق بغداد وارد ایران می‌شد (همان، ۱۳۱-۳۷-۱۱-۱۳۲۹ق). در سال ۱۳۲۳ق (۶-۱۹۰۵م)، یکی از تجارتخانه‌های

آلمان، تعدادی جعبه رنگ جوهری وارد ایالت عراق عجم کرد که کارگزاران عراق با دستور وزارت خارجه ایران از فروش و استعمال این رنگ‌ها ممانعت به عمل آوردند (همان، ۲۱-۱۰-۱۸-۱۳۲۴ق). اما در سال‌های پایانی دوره قاجاریه واردات رنگ‌های جوهری از ایالت بادن آلمان به صورت رسمی انجام می‌شد؛ به طوری که تجارتخانه پرسپولیس در برلین و شرکت رابرت ونکهوس (Robert Wonckhaus) در هامبورگ، از اول جمادی‌الآخر ۱۳۳۹ق (۱۰ فوریه ۱۹۲۱م) به تبلیغ برای فروش رنگ‌های کارخانه‌های آلمان در روزنامه کاوه پرداختند و این آگهی را چندین نوبت تا شعبان ۱۳۴۰ق (مارس ۱۹۲۲م) در این روزنامه به چاپ رساندند (روزنامه کاوه، سال دوم (دوره جدید)، ش ۲، ۵ مهرماه قدیم ۱۲۹۰ یزدگردی - غره جمادی‌الآخر سنه ۱۳۳۹ق، ص ۱۸).^۲

۲-۳. حمایت از شرکت‌های فرش خارجی در ایران

رویکرد حکومت قاجاریه به خصوص دوره حکومت ناصرالدین‌شاه به مقوله تجارت، مثبت بود و تجار در بین سایر اصناف از احترام خاصی برخوردار بودند. ادوارد پولاک طبیب مخصوص ناصرالدین‌شاه که از سال ۶۰-۱۸۵۱م (۷۶-۱۲۶۷ق) مقیم ایران بود، در این زمینه می‌نویسد:

«در بین کلیه مشاغل و اصناف، تجار از همه مهم‌ترند؛ خیلی به ندرت ممکن است به دارایی و مال تجار تجاوز و دست‌درازی کنند. دولت از ایجاد مزاحمت برای آنان پرهیز دارد درحالی‌که صاحبان سایر مشاغل و حرف، بدون هیچ استثنایی گرفتار آن‌اند. در تمام طول اقامت نه‌ساله‌ام هیچ موردی مشاهده نشد که مال تاجری را ضبط و مصادره کرده باشند.» (پولاک، ص ۳۹۲)

حکومت و دولت‌های قاجاریه در راستای حمایت از تجارت بین‌المللی ایران، شرکت‌های خارجی که به سرمایه‌گذاری در تولید و تجارت فرش ایران علاقه‌مند بودند را همواره مورد حمایت خود قرار می‌دادند و در برخورد با مسائل و مشکلات شرکت‌ها و تجار مزبور تلاش می‌کردند موانع فعالیت آن‌ها را به حداقل ممکن برسانند و امنیت آن‌ها را برای فعالیت در ایران فراهم کنند. مکاتبات متعددی از وزارت خارجه ایران برای پیگیری شکایات و درخواست‌های تجار و شرکت‌های خارجی در دست است که با حمایت کنسول‌های آن‌ها در ایران صورت می‌گرفت. به‌عنوان نمونه می‌توان به شکایت شرکت زیگلر از برخی از بافندگان در سال ۱۳۱۹ق (۲-۱۹۰۱م) اشاره کرد. بافندگان طرف قرارداد این شرکت از مواد اولیه نامرغوب جوهری به جای مواد اولیه با کیفیتی که این شرکت در اختیار آن‌ها قرار می‌داد، استفاده می‌کردند و در استفاده از طرح و نقشه فرش‌های این شرکت امانت‌دار نبودند. شرکت زیگلر شرح موضوع را به سفارت انگلستان اعلام کرد و این

مشکل از سوی این سفارت با وزارت خارجه ایران مطرح شد. برای رفع این معضل، از سوی دولت ایران به شاهزاده عضالدوله که در ارتباط با این موضوع بود، دستور داده شد که رسیدگی‌های لازم را انجام دهد (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۳-۰۷-۲۴-۱۳۱۹ق). این شکایت در همان سال به محضر اتابک اعظم نیز رسیده است (همان، ۵-۰۷-۲۴-۱۳۱۹ق).

در اسناد باقیمانده از دوره قاجاریه، سرقت فرش‌های شرکت‌های خارجی، از شکایت‌هایی است که این شرکت‌ها دادخواست خود را برای رسیدگی به وزارت خارجه ایران یا به سفارت کشور خود در ایران می‌دادند. در موارد متعددی برای رسیدگی به شکایات، سفارتخانه‌ها پیگیری موضوع را از وزارت خارجه ایران می‌خواستند. شرکت زیگلر در ۱۳ ربیع‌الثانی ۱۳۲۰ق (۲۰ جولای ۱۹۰۲م) طی نامه‌ای از آقای مشیرالدوله - وزیر خارجه ایران - درخواست کرد که رسیدگی و همکاری لازم درخصوص قالی‌هایی که در زمان حمل در قزوین گم شده‌اند، صورت پذیرد (همان، ۵-۱۴-۲۳-۱۳۲۰ق).

کمپانی قالی‌بافی زیگلر از شرکت‌های انگلیسی بود که در ولایت عراق به تولید و تجارت فرش مشغول بود. این کمپانی علاوه بر حمایت‌های سفارت انگلستان، مورد حمایت دولت ایران نیز بود؛ از جمله این حمایت‌ها می‌توان اشاره کرد به اینکه وزارت داخله در مکاتبه‌ای به حکمران عراق دستور داد، یک‌صد شتر برای حمل فرش‌های این کمپانی تأمین کند (همان، ۳۶-۵-۲۴-۱۳۲۵ق).

سفارت آمریکا در سال ۱۳۲۵ق (۸-۱۹۰۷ق) گزارشی راجع به تاجران آمریکایی که در عراق مشغول به تجارت فرش بودند، به وزارت خارجه ایران نوشت و از ایجاد مزاحمت برای تجار فرش آمریکایی در عراق از سوی حاجی آقامحمد و حاجی علی‌محمد چاتلاقچی شکایت کرد. محمدعلی علاءالسلطنه - وزیر خارجه ایران - در راستای حمایت از تجارت فرش در ۱۷ جمادى الآخر ۱۳۲۵ق (۲۸ جولای ۱۹۰۷ق) برای رفع مشکل به معتمد خاقان حاکم عراق چنین نوشت:

«از سفارت آمریکا شرحی به وزارت امور خارجه نوشته‌اند و از مزاحمتی که حاجی آقامحمد و حاجی علی‌محمد چاتلاقچی در امور تجارت قالی عراق می‌رسانند، شکایت کرده‌اند. چون توسعه تجارت امتعه ایران به خارجه از مسائل مهمه است، به هر نحو است باید نهایت سعی را نمود که حتی‌المقدور زیانی به معاملات با خارجه وارد نیاید، این‌گونه شکایت‌ها که می‌رسد باید خیلی زود جلوگیری بشود که ضرری به تجارت نرسد. مع‌هذا بدیهی است غدغن می‌فرمایید که از طرف بعضی اقدامی که مضر به این معاملات باشد، به عمل نیاید و رؤسای کارخانجات را هم اطمینان بدهید که در اظهارات حقه آنها کمال همراهی را خواهید [داشت]. (محمدعلی علاءالسلطنه)» (همان، ۸۲-۱۸-۰۴-۱۳۲۵ق)

۳-۳. معرفی بین‌المللی فرش ایران

در اواخر دوره قاجاریه، با به‌وجود آمدن رقابت بین‌المللی تجارت فرش و تلاش رقبای بین‌المللی از جمله چین، هند و ترکیه برای توسعه بازار و جلب مشتریان خارجی، تبلیغات حائز اهمیت شد (اتحادیه و پروان، ص ۶). یکی از شیوه‌های معرفی فرش ایران به خارجیان، ارسال فرش به‌عنوان هدیه به پادشاهان و دولتمردان کشورها از سوی دولت ایران بود.

سیاستمداران ایران در طول تاریخ از قالیچه‌های نفیس به‌عنوان هدیه‌ای فاخر برای پیشکش به پادشاهان، هم‌تایان سیاسی و سردمداران سایر کشورها استفاده می‌کرده‌اند. این نوع پیشکش‌ها در دوران طلایی تولید و تجارت فرش ایران یعنی دوره صفویه نیز رایج بود؛ به‌عنوان نمونه در سال‌های ۵-۹۷۴ ق (۱۵۶۷ م) فرش‌های ابریشمی از همدان و درگزین به‌عنوان هدیه به سلطان عثمانی تقدیم شد (واکر، ص ۷۶). علاوه بر این، فرش‌های دیگری به‌عنوان هدیه به پادشاهان عثمانی در سال‌های ۶-۹۶۵ ق (۱۵۵۸ م) و ۹-۹۸۸ ق (۱۵۸۱ م) ارسال شد (همان، ص ۷۷). از نمونه‌های اهدایی به سردمداران اروپائیان می‌توان به یک تخته فرش پلوزی اشاره کرد که در سال ۷۷-۱۰۷۶ ق (۱۶۶۶ م) به ملکه هلند، سوفی آمالی (Sophie Amalie)، اهدا شد (همان، ص ۸۶).

دربار شاهنشاهی قاجار نیز، خواسته یا ناخواسته از این شیوه برای تبلیغ فرش ایران بهره می‌برد و گاهی فرش را به‌عنوان هدیه به هم‌تایان سیاسی تقدیم می‌کرد. در بین هدایای نفیسی که محمدشاه قاجار در سفر آجودان‌باشی به فرانسه برای همسر و خواهر پادشاه فرانسه ارسال کرده بود، چندتخته قالیچه نفیس هراتی نیز وجود داشت (مشیری، ص ۳۴۵). از دیگر موارد، هدیه مظفرالدین شاه قاجار به رئیس‌جمهور اتازونی (آمریکا) است که در ۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۰ ق (۱۲ ژوئن ۱۹۰۲ م) به استانبول ارسال شد که در نهایت به آمریکا برسد (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۱۰۸-۲۱،۱-۰۵-۱۳۲۰ ق). همچنین در همین سال مظفرالدین‌شاه یک تخته قالی کرمان که برای هدیه به پادشاه بلژیک سفارش داده بود، برای تسلیم به وی به سفارتخانه بروکسل فرستاد (همان، ۳-۱۵-۱۹-۱۳۲۰ ق).

شاهان قاجار برای تزئین کاخ‌های خود نیز علاقه زیادی به فرش نشان می‌دادند و در پاره‌ای موارد به سفارش طرحی خاص برای کاخ‌های خود اقدام می‌کردند که از دید سیاحان و میهمانان خارجی به دور نمی‌ماند و برد تبلیغاتی بالایی داشت. تالار پذیرایی مهمان‌ها در زمان پادشاهی محمدشاه قاجار مفروش به قالی‌های بزرگ نفیس و گران‌بهایی بود که اوژن فلاندن در ملاقاتی که با شاه ایران در معیت یک وزیر روسی داشت، آنها را از نظر گذرانده بود (فلاندن، ص ۴۲۶). مارسل اورسل، سیاح بلژیکی، در

بازدیدى که از ارگ شاهنشاهی در سال ۱۸۸۲م (۳۰۰-۱۲۹۹ق) در دوره ناصرالدین شاه قاجار داشته، فرشی که در آن صورت زن‌های مختلف را با رنگ‌های گوناگون بافته بودند و از نظر وی مبتذل بوده است، در نارنجستان (عیش‌خانه شاه) دیده است که باید یکی از فرش‌های سفارشی دربار باشد (اورسل، ص ۱۵۵).

در پی اقدامات شاهنشاهی ایران، مسئولین بلندپایه دولتی نیز به دستور شاهنشاه ایران یا به اراده خود در جهت معرفی فرش گام‌هایی برمی‌داشتند. وزارت خارجه از مکان‌هایی بود که قریب به اتفاق خارجیانی که به ایران سفر می‌کردند، به این وزارتخانه گذری داشتند و هر چیزی که در این مکان رؤیت می‌کردند، برایشان بااهمیت جلوه می‌کرد. ارنست اورسل در سفرنامه خود از فرشی هراتی در اتاق وزارت خارجه ایران نوشته است و نحوه توصیف وی از این فرش به‌عنوان بزرگ‌ترین و زیباترین فرش هرات، اعجاب و علاقه او را به فرش ایرانی نشان می‌دهد (همان، ص ۱۵۲).

حضور در نمایشگاه‌های خارجی در ابتدای قرن ۱۴ق از سوی تجار داخلی و خارجی فرش ایران از دیگر راهکارهای تبلیغ فرش ایران در دنیا بود که براساس مکاتبات به‌دست‌آمده از این سال‌ها از حمایت نسبی دولتمردان دربار قاجاریه برخوردار بوده است. به‌عنوان نمونه مشیرالدوله - وزیر خارجه ایران - در ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۲۲ق (۲۵ می ۱۹۰۴م) با محقق‌السلطنه درخصوص تحویل فرش‌هایی که قرار بوده است به نمایشگاه آمریکا فرستاده شود، مکاتبه و هماهنگی کرد که این فرش‌ها به ممتازالملک تحویل شود (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۴-۱۴-۲۵-۱۳۲۰ق). این دست مکاتبات، همکاری نسبی دربار و دولت قاجار را برای حضور در نمایشگاه‌های خارجی نشان می‌دهد.

گاهی اوقات، دربار شاهنشاهی قاجار با اعطای نشان افتخار به متصدیان فعال در عرصه تولید و تجارت فرش، روحیه تازه‌ای در آنها می‌دمید و از این طریق سیاست‌های تشویقی برای توسعه تولید و تجارت فرش را دنبال می‌کرد. مظفرالدین‌شاه قاجار در ۸ رمضان ۱۳۲۰ق (۹ دسامبر ۱۹۰۲م) در طی مکاتبه‌ای، مدیر اداره تجارت قالی در عراق را به دریافت یک قطعه نشان شیر و خورشید از درجه چهارم مفتخر نمود (همان، ۳-۱۳-۲۴-۱۳۲۰ق).

۴. نقش کنسول‌های ایران در تجارت بین‌المللی فرش

در دوره قاجاریه همان‌طور که کشورهای اروپایی برای حفظ منافع خود در ایران کنسولگری‌هایی در شهرهای مختلف تأسیس کردند، ایران نیز به راه‌اندازی کنسولگری‌هایی در مراکز مهم سیاسی و تجاری برای پشتیبانی و محافظت از منافع ملی

مبادرت نمود. در یادداشت‌های ادوارد پولاک آمده است که ایران در دهه ۱۸۵۰ میلادی در تفلیس، ارزروم، طرابوزان، قسطنطنیه، بمبئی، بغداد، قاهره و به‌طور موقت در ازمیر، اسکندریه و حیفا کنسولگری داشته است (پولاک، ص ۳۹۵).

تجارت فرش همواره از مواردی بود که مورد توجه کنسول‌های ایران قرار داشت. آنها در صورتی که بازار فروش فرش ایران را در کشوری مناسب می‌دیدند، برای اطلاع‌رسانی به دولتمردان و تجار فرش ایران مساعی لازم را انجام می‌دادند. کنسول‌خانه ایران در ایتالیا در حدود سال ۱۳۲۰ ق (۳-۱۹۰۲ م) به‌تازگی در میلان تأسیس شده بود. کنسول ایران در ایتالیا در مکاتبه خود با وزیر تجارت ایران، ضمن اینکه از وزیر، اطلاع‌رسانی در خصوص تأسیس این کنسول‌خانه را می‌خواست، وجود زمینه مناسب تجارت فرش ایران در ایتالیا را نیز متذکر شد و از او درخواست کرد این موضوع به اطلاع تجار و صنعت‌کاران داخله و مهاجرین ایرانی که مقیم استامبول هستند و بیش از بقیه تجار با قسمت شمالی ایران در ارتباط هستند، رسانده شود (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۴۰-۱۶-۰۹-۱۳۲۰ ق).

در بسیاری از موارد مشکلات تجارت فرش ایران در خارج، از سوی کنسول‌های ایران مطرح و مسائل آن پیگیری می‌شد و آنها با توجه به اهمیت موضوع به ارائه راهکارهایی در این زمینه می‌پرداختند. کنسول ایران در آمریکا در اول محرم ۱۳۲۰ ق (۱۰ آوریل ۱۹۰۲ م) تجارت فرش به آمریکا را در رأس کالاهای صادراتی ایران به آمریکا نوشت و توجه جدی دولتمردان ایران را برای جلوگیری از به‌وجود آمدن نقصان در این تجارت درخواست کرد. کنسول ایران برای تقویت صادرات فرش‌های باکیفیت، پیشنهاد کرد که مهر مخصوصی از سوی گمرک ایران بر فرش‌های باکیفیت بزنند و برای از گردونه خارج کردن فرش‌های با رنگ مصنوعی و پشم‌های پوسیده از مهر کردن این فرش‌ها امتناع ورزند. دومین مسئله‌ای که از سوی این کنسول مطرح شد، عدم مطابقت رنگ و اندازه فرش‌های ایرانی با سلیقه آمریکائی‌ها بود. وی با مأمور کردن مسیو «وان کارنیک» به ایران که یکی از تجار فرش در آمریکا بود، سعی کرد سلیقه آمریکائی‌ها از نظر رنگ و اندازه فرش را به فرش‌بافان ایرانی انتقال دهد و سایر موارد از جمله مهر کردن فرش‌های باکیفیت در گمرک را نیز در دولت ایران پیگیری نماید (همان، ۴۳-۰۳-۱۰-۱۳۲۰ ق).

سفارت ایران در لاهه در ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۲ ق (۴ فوریه ۱۹۰۵ م) از عرضه فرش نامرغوب به‌نام فرش ایران در کشور هلند خبر داد و از عرضه فرش بدل در این کشور به‌سبب به‌خطرافتادن حیثیت و اعتبار فرش ایران ابراز نگرانی کرد و از وزارت خارجه ایران

خواست با رسیدگی به این موضوع از کسادى بازار این کالای ایرانی در هلند جلوگیری کند (همان، ۶۵-۶-۹-۱۳۲۲ق).

بابت مزاحمتی که تجار ایرانی در سال ۱۳۲۵ق (۸-۱۹۰۷م) برای تجار اتازونی در ولایت عراق ایجاد کردند، علاوه بر حمایت دولت ایران در رفع این مشکل، کنسول ایران در اتازونی در همین سال به وزارت خارجه گزارشی نوشت و از آن به عنوان مانعی بر سر راه توسعه تجارت فرش ایران در اتازونی یاد کرد و خواستار رسیدگی به این موضوع شد. (همان، ۸۳-۱۸-۰۴-۱۳۲۵ق).

سیاست‌های تشویقی از دیگر حمایت‌هایی بود که گاهی از سوی کنسول‌های ایران برای تجار ایرانی و خارجی که در تجارت فرش اهتمامی داشتند، با همکاری دولتمردان ایران اجرا می‌شد. سفیر ایران در استامبول در سال ۱۳۳۲ق (۱۴-۱۹۱۳م) برای یکی از تجار تبعه دولت ایتالیا که نسبت به تجارت فرش ایران در استامبول حسن مساعدت داشت، از وزارت خارجه ایران درخواست نشان شیر و خورشید از درجه سوم نمود که این نشان به وی اعطا شد (همان، ۳-۱۲-۴۸-۱۳۳۱ق).

۵. نقش گمرک ایران در تجارت فرش

گمرک در دوره قاجاریه مبدأ رسمی صادرات کالا از ایران بود که در برخی از شهرها ایجاد شد. در سفرنامه ارنست اورسل، میزان عوارض گمرکی برای وارد یا صادر کردن هر کالایی در سال ۱۸۸۲م (۳۰۰-۲۹۹ق) معادل ۵ درصد ارزش کلی آن کالا به عنوان عوارض ثابت به ثبت رسیده است و برای تجار ایرانی مالیات دروازه و حقوق گمرک داخلی علی‌حده‌ای نیز وضع شده بود که از قرار معلوم تجار اروپائی از پرداخت آن معاف بوده‌اند (اورسل، صص ۲۳۸ و ۲۴۸ و کرزن، ص ۲۸۶). عوارض گمرکی داخلی که مختص تاجران ایرانی برای جابه‌جایی کالا (کالای ایرانی یا وارداتی) در داخل کشور وضع شده بود، دو و نیم درصد ارزش کلی کالاها بوده است (کرزن، ص ۲۸۶).

بیست‌سال بعد در ۱۹۰۲م (۲۰-۱۳۱۹ق) نرخ حق گمرکی صادرات کالا، همچنان برای خارجیان پنج درصد ارزش کالا بود که براساس بارنامه دریافت می‌شد. این حق گمرکی برای ایرانیان در آن سال‌ها از یک تا هشت درصد ارزش کالای صادراتی متغیر بود (اینووه، ص ۱۳۶).

صادرات کالاهای ایرانی به وسیله راه‌آهن ماوراء بحر خزر در فرمانی که دولت روس در فوریه ۱۸۸۹م (جمادی‌الثانی ۱۳۰۶ق) صادر کرد، بنابر قیمت جنس، دو و نیم درصد

عوارض گمرکی داشته است. لیکن براساس فرمانی که یک‌سال بعد از آن، یعنی فوریه ۱۸۹۰م (جمادی‌الثانی ۱۳۰۷ق) صادر شد، هرگاه این قبیل اجناس به‌وسیله خطوط آهن ماوراء دریای خزر به‌صورت ترانزیت به اروپا صادر می‌شد، اگر از طریق عشق‌آباد یا هر ایستگاه دیگر ماوراء بحر خزر حمل شده بود، از هرگونه عوارضی معاف بود (کرزن، ص ۲۸۸). اسناد تاریخی نشان می‌دهد که تا پایان دهه ۱۳۱۰ق، از بسیاری از کالاهای صادراتی ایران به خارج حقوق گمرکی اخذ می‌شده که فرش نیز در زمره آنها بوده است. در یکی از این شواهد تاریخی آمده که در ۵ جمادی‌الاول ۱۳۱۷ق (۱۱ سپتامبر ۱۸۹۹م)، مشیرالدوله - وزیر خارجه ایران - به مدیر گمرکات نوشته است که تعدادی قالی بدون مطالبه حق گمرکی از رشت به قصد شرکت در نمایشگاه فیلادلفیا عبور داده شود. این مکاتبه حاکی از این است که عوارض گمرکی برای صادرات فرش در این سال برقرار بوده است (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۲۶-۲۹-۱۳۱۷ق). لیکن در اواخر دهه مزبور (۱۳۱۰ق)، رویکردی برای تسهیل صادرات کالاهای ایران به‌وجود آمد. در اواخر این دهه حقوق راهداری که از بازدارنده‌های تجارت خارجی بود متوقف گردید (موسایی، ص ۲۳). در همین راستا، در ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۰ق (۱۳ فوریه ۱۹۰۳م)، تعرفه جدیدی برای صادرات کالا مقرر شد. «به موجب این فرمان قرار شد از بسیاری از کالاهای صادراتی از قبیل منسوجات و قالی... حقوق گمرکی دریافت ندارند و همچنین مقرر شد بیست‌ودو شاهی که از هر باری در مرزها دریافت می‌گردید متروک دارند.» (عیسوی، ص ۲۲۷) در تأیید این معافیت گمرکی در سندی از عصر قاجاریه آمده است که کمپانی قالی‌بافی عراق در سال ۱۳۲۰ق (۳- ۱۹۰۲م)، درخصوص حقوق گمرکی که به مال‌التجاره این شرکت اعمال شده بود، به وزارت خارجه عریضه نوشت و وزارت خارجه نیز این عرض‌حال را به وزارت گمرک ارسال کرد. در جواب نامه مزبور، وزارت گمرک ایران در ۲۴ شعبان ۱۳۲۰ (۲۶ نوامبر ۱۹۰۲م) در پاسخ به وزیر امور خارجه نوشته است که اکثر کالاهای صادراتی از گمرکات معاف شده‌اند (مرکز اسناد وزارت خارجه، ۲-۱۴، ۲-۲۳-۱۳۲۰ق).

از مواردی که وزارت گمرک در آن بسیار دخیل بود، برخورد با استفاده از رنگ‌های جوهری در فرش بود؛ زیرا سیاست‌هایی که دولت برای مبارزه با استفاده از رنگ‌های جوهری در فرش در پیش گرفت، همگی با استفاده از اهرم گمرک قابلیت اجرا می‌یافت. همان‌گونه که در ابتدای این مقاله به‌طور مفصل بحث شد، دولت در این زمینه سیاست‌هایی از قبیل ممنوعیت واردات رنگ‌های آنیلین به ایران، ممنوعیت صادرات

فرش‌های رنگ جوهری و سپس الزام پرداخت حق گمرکی برای صادرات فرش‌های رنگ جوهری در نظر گرفت که اجرای همه آنها الزاماً از کانال گمرک می‌گذشت.

۶. نتیجه

پس از آرامش نسبی در اواسط عصر قاجاریه، با توجه به شرایط مساعد بازار جهانی کالا، توسعه تجارت بین‌المللی کالاهای ایران مورد توجه دولت قرار گرفت. در این دوران تجار و بازرگانان از مهم‌ترین و معتبرترین اصناف بودند. در همین راستا، مسئولین اجرایی حکومت قاجاریه با رویکرد مثبت به تجارت فرش، از شرکت‌های خارجی فرش در ایران حمایت کردند و پاسخگوی مشکلات آنها بودند.

در عصر قاجاریه از سیاست‌های دربار ایران و مسئولین دولتی، معرفی فرش ایران به جهانیان بود. آنها سعی می‌کردند از موقعیت و امکانات دولتی در این زمینه استفاده کنند. مطابق با سنت‌های دیرین ایرانی، پادشاه ایران و مسئولین مملکت با ارسال هدایایی به هم‌تایان خود به معرفی فرش ایران می‌پرداختند. این هدایا از طریق سفرای ایران و گاهی از طریق سفارتخانه‌های خارجی در تهران ارسال می‌شد. شیوه دیگر معرفی و تبلیغ فرش ایران، استفاده از فرش برای تزئین کاخ‌های دربار و عمارت‌های دولتی بود. این فرش‌ها مورد توجه سیاحان و سفیران خارجی قرار می‌گرفت؛ به طوری که در بسیاری از سفرنامه‌های آنها توصیف فرش در عمارت‌های دولتی ایران دیده می‌شود. سیاست دیگر دولت برای معرفی فرش ایران، حمایت از حضور فرش در نمایشگاه‌های خارجی بود که اقداماتی در جهت تسهیل آن انجام می‌داد. تشویق مدیران دولتی موفق در اداره صنعت فرش از دیگر سیاست‌های حمایتی ایران در زمینه فرش بود و گاهی نشان‌های دولتی به تجار موفق داخلی و خارجی هم داده می‌شد.

برای اجرای سیاست‌های تجاری ایران، کنسولگری‌ها، گمرک و سایر وزارتخانه‌های دولت (وزارت خارجه، وزارت تجارت و فوائد عامه، وزارت مالیه، وزارت داخله و ادارات تجارت قالی در برخی نقاط از جمله در ایالت عراق عجم)، سه ضلع مثلث اجرای سیاست‌های دولتی در زمینه صنعت و تجارت فرش بودند. در خارج از کشور، کنسولگری‌ها و در داخل ایران گمرک و سایر وزارتخانه‌ها در اختیار دربار و دولت قرار داشتند. بعضی از کنسول‌های ایران که موقعیت مناسبی برای تجارت بین‌المللی فرش ایران در خارج مشاهده می‌کردند، به اطلاع تجار ایرانی می‌رساندند. گاهی اوقات بعضی از کنسول‌ها در صورتی که مشکلاتی فراروی تجارت فرش ایران ملاحظه می‌کردند، ضمن طرح مشکل به ارائه راهکارهایی

در جهت حل آن می‌پرداختند. گمرک، به‌عنوان عامل دیگر اجرای سیاست‌های دولتی، گلوگاه اجرای قوانین تجاری محسوب می‌شد که قانون تعرفه گمرکی و اجازه صادرات و واردت را در اختیار داشت. وزارتخانه‌ها نیز بازوی اجرایی سیاست‌های دولت در زمینه‌های مختلف تولید و تجارت فرش از جمله مبارزه با رنگ‌های جوهری، حمایت از شرکت‌های خارجی و... محسوب می‌شدند که در خدمت دربار و دولت قاجاریه قرار داشتند.

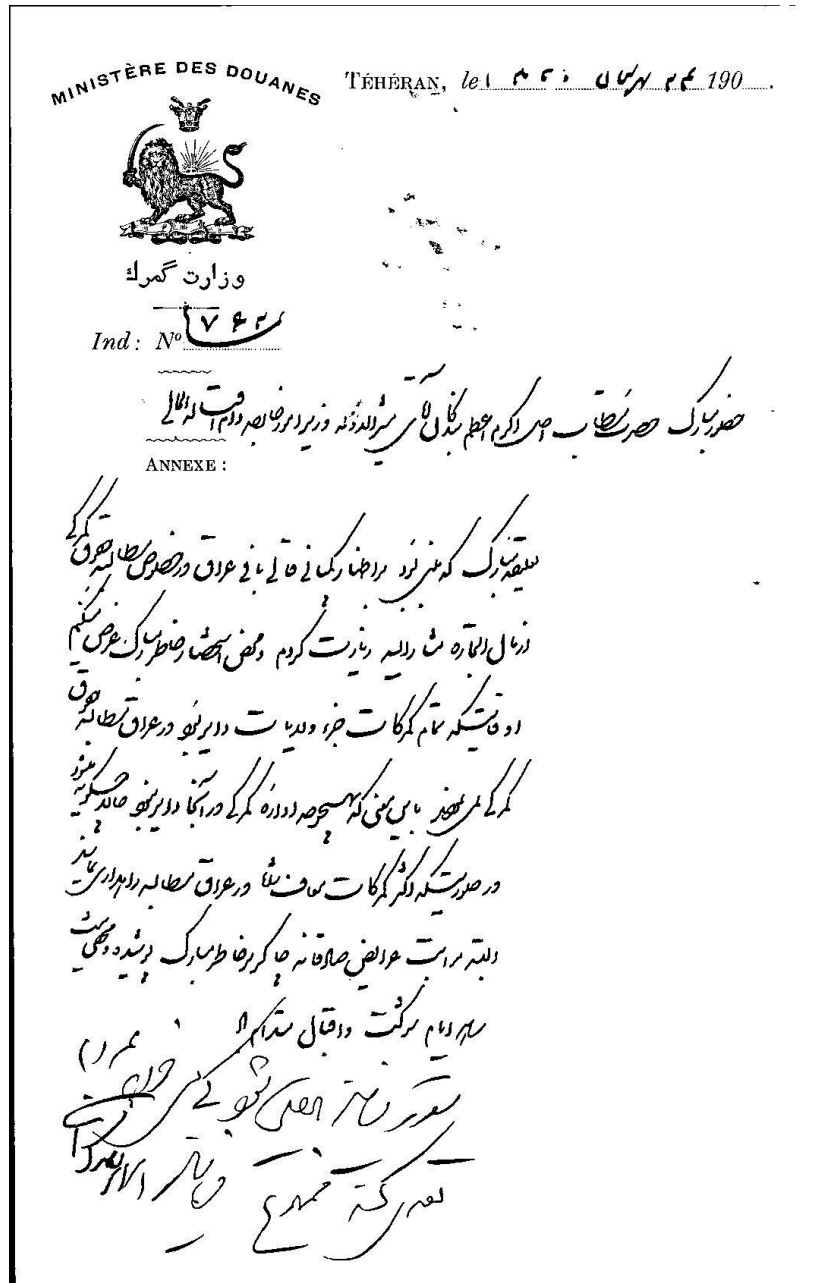
مهم‌ترین مسئله داخلی فرش ایران در عصر قاجاریه، ورود رنگ‌های شیمیایی بی‌کیفیت یا رنگ‌های جوهری به ایران در اواخر قرن ۱۳ق/۱۹م بود که عدم آگاهی فعالین این عرصه از اثرات مخرب استفاده از آنها در رنگرزی خامه فرش، به آثار سوئی در تجارت بین‌المللی فرش ایران انجامید و به یکی از دغدغه‌های دولت در زمینه صنعت فرش تبدیل شد. دولت ایران با اجرای قانون ممنوعیت ورود رنگ‌های جوهری، ممنوعیت صادرات فرش‌های رنگ جوهری و در نهایت اخذ حق گمرکی برای صادرات این فرش‌ها، تلاش کرد که با این بلای صنعت فرش ایران مبارزه کند؛ اما در این زمینه به توفیقات معتنا به‌ای دست نیافت و برنامه‌های دولت تنها بازدارندگی‌های مقطعی داشت و آثار سوء استفاده از جوهر تا دهه‌ها چهره فرش ایران را مخدوش کرد.

برآیند اقدامات دولت ایران در دوره قاجاریه که به‌ضرورت با درخواست گروه‌های فعال در تولید و تجارت فرش به حمایت و هدایت دست‌اندرکاران این صنعت می‌پرداخت، از جهت‌گیری دولت در توسعه تجارت بین‌المللی فرش ایران نشان دارد. در این دوره شرایط بازار جهانی به‌گونه‌ای بود که رونق معتنا به تجارت فرش و در پی آن رونق تولید فرش اتفاق افتاد و دولتمردان قاجار نیز به این مهم واقف بودند و تلاش خود را برای توسعه تولید و تجارت فرش در حد امکانات خود به‌کار گرفتند؛ لیکن تمرکز دولت روی مسائل تجاری فرش به‌ویژه تجارت خارجی آن بود و مسائل داخلی این صنعت کمتر مورد توجه قرار داشت.


پی‌نوشت

۱. برای واژه آنیلین در فرهنگ لغت دهخدا آمده است: «آنیلین. (فرانسوی، ا) ماده رنگی که از زغال‌سنگ گیرند.» لیکن در عصر قاجاریه، به رنگ‌های شیمیایی که از خارج به ایران وارد می‌شد، رنگ‌های آنیلینی می‌گفتند.

۲. دو اعلامیه مزبور یکی از ۱۱ اعلامیه شرکت رابرت ونکهوس و یکی از ۷ اعلامیه تجارتخانه پرسپولیس است که در روزنامه کاوه به چاپ رسیده بود.



۱- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، «نامه وزارت گمرک به وزیر امور خارجه»، سند ش ۲-۱۴-۲۳-۱۳۲۰.ق.



از سرایه طهران به اداره تلگرافی دولت عالیته ایران

نمبیره	عدد کلمات	تاریخ اصل مطلب			اطلاعات
		روز	ساعت و دقیقه	دقیقه	
					<p>حضرت جناب مطاب اهل لقمه احم محمد علی آقا شریف‌الدوله وزیر امور خارجه عظمه الهی تلگراف مبارک در خصوص رنگ قالی‌هاست که اولاً آن شخص رنگ را در وقت خود هزار سکرت فقط چند جعبه نمونه آورده ام که امتحان شود و ششماه دیگر معده را بکند که سلف وزیر خواهد رنگی بفرستند استه از در تعطیل شده باشد تا ما تمام کرده نفر اجماع کوزر این جوهر کلف این سده ام این بود فراتر بل بعضی معضله مبارک برسم و با کمال میل است بگذارم صدای بلند خود انفاق بیفاده حال هم اگر کسر امانت نه نوزارت صلح کار فرغ فرزند بکنند بکنند و سلف وزیر رنگ هم بعد از برای مبارک علی‌هم بنزد بکار بکار بکار بکار بکار بکار بکار بکار مید و لکه خود را رسانند ندارند مختار و آزاد شده یا بر طو در بفرستد اطاعتش خود کمال است</p>

بناریخ ۱۴ شهر محرم الحرام ساعت دقیقه سال نیل سنه ۱۳۲۴

۲- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، «اداره تلگرافی دولت عالیته ایران، از عراق به طهران»، سند ش ۱۷-۱۰-۱۸-۱۳۲۴.ق.

۵۵۹

سواد کاغذ وزارت خارجه پستخان خاقان حاکم عراق

۱۳۲۵ شماره اول

از سفارت امریکه در وزارت امور خارجه پستخان خاقان حاکم عراق
بزرگواران که چون توسعه تجارت امریکه را با راهزنان منتهی است و بهر نحو است باید نهایت مراقبت
در حق القدر زین امر باشد با نارضایتی و نارضایتی که میسر می آید بیخ زنی مملوک که در سفر از امریکه
بهرتایم است قدرتی میسر می آید از طرف جمع آفرین منتهی این صاعدت با این صبر میسر می آید در این امر
اطمینان برسد در این امر حقیقت آنکه ملی امریکه را خواهد (مهرت عهد الملنه)



۳- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، «سواد کاغذ وزارت خارجه به معتمد خاقان حاکم عراق»، سند ش ۸۲-۱۸-۰۴-۱۳۲۵ق.

منابع

اتحادیه، منصوره و رسول پروان، «تحولات تجارت فرش دستباف ایران در دوره قاجاریه (با تکیه بر بازار بین المللی فرش دستباف)»، مطالعات تاریخ فرهنگی: پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال دوم، شماره پنجم، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱-۳۶.

اورسل، ارنست، سفرنامه اورسل (۱۸۸۲ میلادی)، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، چاپ شرکت افست (سهامی خاص) چاپخانه بیست و پنجم شهریور، ۱۳۵۳.

اینووه، ماساجی، سفرنامه ایران، ترجمه دکتر هاشم رجبزاده، با همکاری کینجی ئەاورا، تهران، طهوری، ۱۳۹۰.

پولاگ، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاگ «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۱.

- جمال‌زاده، محمدعلی، گنج شایگان (اوضاع اقتصادی ایران در ابتدای قرن بیستم)، چاپ اول، تهران، کتاب تهران، ۱۳۶۲.
- دیولافوا، مادام ژان و شوالیه لژیون دونور، ایران، کلد و شوش، ترجمه علی محمد فره‌وشی (مترجم همایون)، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۹.
- ساموئل گیرین ویلر، بنجامین، ایران و ایرانیان، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، چاپ اول، تهران، گلبانگ، ۱۳۶۳.
- سایکس، سرپرسی، سفرنامه سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران، ترجمه حسین سعادت نوری، تهران، لوحه، ۱۳۶۳.
- سیف، احمد، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، تهران، چشمه، ۱۳۷۳.
- عیسوی، چارلز، تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار: ۱۳۳۲-۱۲۱۵ ه.ق)، ترجمه یعقوب آژند، چاپ اول، تهران، گستره، ۱۳۶۲.
- فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران، اشراقی، ۲۵۳۶.
- کرزن، جرج، ایران و قضیه ایران، ترجمه غ. وحید مازندرانی، جلد ۱، تهران، کتاب، ۱۳۴۹.
- مشیری، محمد، شرح مأموریت آجودانباشی (حسین خان نظام‌الدوله)، به انضمام متن سفرنامه عبدالفتاح گرمودی، تهران، اشرفی، ۲۵۳۶.
- موسایی، میثم، تجارت خارجی ایران (در عهد قاجار و پهلوی)، تهران، جامعه‌شناسان، ۱۳۹۰.
- واکر، دانیل، «فرش‌های دوران صفویه»، تاریخ و هنر فرش‌بافی در ایران (براساس دائرةالمعارف ایرانیکا)، زیر نظر احسان یارشاطر، ترجمه ر.علی خمسه، تهران، نیلوفر، ۱۳۸۴، صص ۷۵-۸۸.
- بی‌نام، «مخصوص تجار ایرانی» و «به تجار و اصناف ایرانی»، روزنامه کاوه، سال دوم (دوره جدید)، شماره ۲، ۱۳۳۹/۶/۱۱ مطابق با ۱۹۱۸/۲/۱۰ م، ص ۱۸، در: [روزنامه] کاوه (مؤسس و مدیر سید حسن تقی‌زاده)، زیر نظر ایرج افشار، تهران، شرکت افست «سهامی عام»، ۲۵۳۵.
- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، اسناد مربوط به سال‌های ۱۳۱۷ تا ۱۳۳۹ ق (۱۸۹۹ تا ۱۹۲۵ م):
- «سواد کاغذ وزارت خارجه مسیو نوز مدیر گمرکات»، سند ش ۲۶-۰۱-۲۹-۱۳۱۷ ق.
- «سواد رقعہ وزارت امور خارجه به فرمانفرمای عربستان و لرستان»، سند ش ۲-۰۷-۲۴-۱۳۱۹ ق.
- «سواد کاغذ وزارت خارجه به شاهزاده عضدالسلطان»، سند ش ۳-۰۷-۲۴-۱۳۱۹ ق.
- «بدون عنوان»، سند ش ۵-۰۷-۲۴-۱۳۱۹ ق.
- «در باب یک جفت قالیچه برای رئیس‌جمهور اتازونی»، سند ش ۱-۰۸-۲۱-۰۵-۱۳۲۰ ق.
- «بدون عنوان»، سندش ۴۰-۱۶-۰۹-۱۳۲۰ ق.
- «[نامه به] سفارت اعلیحضرت شاهنشاه ایران در واشنگتن»، سند ش ۳-۰۴-۱۰-۱۳۲۰ ق.
- «سواد کاغذ وزارت خارجه به سعدالدوله وزیرمختار ایران مقیم بروکسل»، سند ش ۳-۱۵-۱۹-۱۳۲۰ ق.
- «بدون عنوان»، سند ش ۵-۱۴-۲۳-۱۳۲۰ ق.
- «نامه وزارت گمرک به وزیر امور خارجه»، سندش ۲-۱۴-۲۳-۱۳۲۰ ق.
- «مفاد فرمان اعلا حضرت شهنشاهی ارواح العالمین له الفدا»، سند ش ۳-۱۳-۲۴-۱۳۲۰ ق.
- «سواد کاغذ وزارت خارجه به محقق‌السلطنه»، سند ش ۴-۱۴-۲۵-۱۳۲۰ ق.

- «نامه‌ی سفارت اعلیحضرت شاهنشاه ایران در لاهه»، سند ش ۰۶۵-۹-۶-۱۳۲۲ق.
- «نامه‌ی وزارت تجارت»، سند ش ۲۴-۲۳-K۷-۱۳۲۲ق.
- «اداره‌ی تلگرافی دولت علیه ایران، از عراق به طهران»، سند ش ۱۷-۱۰-۱۸-۱۳۲۴ق.
- «نامه‌ی وزارت امور خارجه»، سند ش ۲۱-۱۰-۱۸-۱۳۲۴ق.
- «سواد کاغذ وزارت خارجه به معتمد خاقان حاکم عراق»، سند ش ۸۲-۱۸-۰۴-۱۳۲۵ق.
- «سواد مراسله وزارت خارجه به سفارت اتازونی»، سند ش ۸۳-۱۸-۰۴-۱۳۲۵ق.
- «نامه‌ی کارپردازی اول دولت علیه ایران در شام»، سند ش ۶۵-۰۱-۲۲-۱۳۲۵ق.
- «سواد تلگراف وزارت داخله به حکمران عراق»، سند ش ۳۶-۰۵-۲۴-۱۳۲۵ق.
- «نامه‌ی وزارت مالیه؛ سواد مراسله گمرک ۱۱ صفر نمره ۱۰۸۹۸»، سند ش ۷۶-۷۶-P۶-K۳۹-۱۳۲۸ق.
- «بدون عنوان»، سند ش ۱۳، ۱-۳۷-۱۱-۱۳۲۹ق [صفحه‌ی سمت چپ سند].
- «نامه‌ی وزارت امور خارجه؛ (نوع مسوده: مراسله به سفارت عثمانی)»، سند ش ۱-۲۴-۳۵-۱۳۳۰ق.
- «نامه‌ی وزارت امور خارجه؛ (نوع مسوده: مراسله به سفارت عثمانی)»، سند ش ۳-۲۴-۳۵-۱۳۳۰ق.
- «نامه‌ی وزارت امور خارجه به سفارت استامبول (ضمیمه فرمان و نشان)»، سند ش ۳-۱۲-۴۸-۱۳۳۱ق.
- «نامه‌ی سفارت بریتانیا به وزارت جلیله امور خارجه دولت علیه ایران»، سند ش ۱۲-۵۸-۲۵-۱۳۳۳ق.